



اما! عابدزاده... احمدرضا! سال بعدش  
یا نمی‌دانم دو سال بعدش رفت  
پرسپولیس و من آن موقع استقلال (تا  
همین چند سال پیش هم استقلال  
بودم) نفهمیدم چه شد و چطور شد که  
رفت؟ آن وقت‌ها عجیب بود، الان عادی  
شده است. الان چیزهای مهم‌تری از تیم  
و فوتبال و تعصب هست اما آن موقع  
نبود. البته که روایت‌های شخصی و  
غیر شخصی زیادی از این رفتن وجود  
داشت که حالا دیگر اصلا مهم نیست،  
چون احمدرضا با آن کیت سبزرنگش،  
با آن دستکش‌های و لبخندهای  
بزرگش کاری با ما کرده بود که انگار هر  
دروازه‌بانی که سبز نمی‌پوشید و بزرگ  
نمی‌خندید، دروازه‌بان نبود...

با همه‌ی این‌ها، علی‌رغم ملبورن و...  
راستش احمدرضا را به خاطر طعنه‌های  
پسرعموی پرسپولیس‌ام، بعد از رفتنش  
به آن تیم نمی‌بخشم... احمدرضا  
جان، به ما استقلالی‌های کوچک آن  
موقع یک عذرخواهی بدهکاری.

